الباب العاشر من الواحد الرابع لا یجوز التدریس فی کتب…

حضرت باب

اصلی فارسی



## **الباب العاشر من الواحد الرابع** لا یجوز التدریس فی کتب غیر البیان الا اذا انشئ فیه مما یتعلق بعلم الکلام و ان ما اخترع من المنطق و الاصول و غیرهما لم یؤذن لاحد من المؤمنین.

ملخص این باب آنکه نقطۀ بیان را خداوند عالم بظهورات ما لا نهایه در این ظهور ظاهر فرموده از اعلی علو دلالت بر خداوند که اننی انا الله لا اله الا انا باشد تا انی اذر من کل ذر از لسان او جاری شده و درهر شیئ بطرق ما لا نهایه بیان از او ظاهر گشته چه بنهج آیات و چه بنهج مناجات و چه بنهج تفاسیر و چه بنهج علوم حکمیه و چه بنهج اجوبه فارسیه که احدی محتاج باحدی نباشد

واذن داده نشده تعلم بغیر آثار اون و اذن داده شده اگر کسی در علمی انشائی کند چون اسم الله بر او مذکور شده که ایمان باو باشد جایز است تعلم باو اگر معنون شود بکلمات نقطه و الا چگونه مدل خواهد بود بر شجرۀ حقیقت و در آن ذکر از مذکر ذکر در آن ذکری نباشد

و نهی شده از انشاء ما لا یسمن و لا یغنی مثل اصول و منطق و قواعد فقهیه و حکمیه و علم لغات غیر مستعمله و ما یشبه هذا و ما قد فصل فی الصرف و النحو فان قدر ما یکتفی للمتأدبین ما یعرف الفاعل و المفعول و ما دونهما من شئونهما اذ دون ذلک لن یغفر الله العبد اذا اشتغل به اگر چه در این کور اکثر خلق بکلمات فارسیه مستغنی هستند

و اگر کسی بخواهد فهم بیان را بهم رساند بقدر ما یحتاج خود اخذ میکند نه زیاده از نفس بیان نه غیر او این است صراط مستقیم از برای متأدبین و متعلمین الی یومی که شجرۀ حقیقت ظاهر گردد که آن روز کتاب حقیقت ناطق و رجوع بکتاب صامت از احتجاب از کتاب ناطق است و اون کتابی است که منزه و مقدس بوده از شئون علمیه خلق و عملیه آنها

چنانچه در این ظهور نقطه هر کس واقع شده دیده که او مبری بوده از علم نحو و صرف و منطق و فقه و اصول و آنچه ما یتفرع بر اینها است زیرا که کل اینها از برای فهم مراد الله هست در کلام او و کسی که مراد او مراد الله و کلام او کلام الله است چه احتیاج است او را باین شئون و حال آنکه خداوند قدرتی باو عطا فرموده و نطقی که اگر کاتب سریعی در منتهای سرعت بنویسد در دو شب و روز که فصل ننماید مقابل یک قرآن از اون معدن کلام ظاهر میگردد که اگر اولوالافکار ما علی الارض جمع شوند قدرت بر فهم یک آیه از آنرا ندارند چگونه بر ایتان یا تکلم و عرفان این است موهبت الهی در حق من یشاء کیف یشاء بما یشاء لما یشاء انه هو القادر العلام

و باین شئون محتجب از محبوب خود در نزد ظهور او نگشته که در قرآن قبل خداوند نازل فرموده که کل اثمار او در این آیه هست ﴿الله الذی خلق سبع سموات و من الارض مثلهن یتنزل الامر بینهن لتعلموا ان الله علی کلشیئ قدیر و ان الله قد احاط بکل شیئ علما﴾ ولی در وقت ثمرۀ کل خواستند اظهار عجز از برای مظهر قدرت و دون علم از برای مظهر علم نمایند و حال آنکه از برای این اقرار خلق شده اند کل

و اگر در ”من یظهره الله“ که مظهر قدرت و علم الله هست بآیاتی که خداوند بر او نازل میفرماید کسی موقن گردد بثمرۀ بیان رسیده و الا چه بسا اشخاص که قرآن خوانده و از ثمرۀ اون که اقرار بقدرت وعلم است از برای مظهر این آیه که قائم آل محمد - صلی الله علیه - است محتجب گشته زیرا که مثل آن حضرت را مثل این آیه فرض کن چنانچه در این دیده نمیشود الا قدرت الله و علم او در اون دیده نمیشود الا قدرت الله و علم او کل از برای این خلق شده و امروز از او محجوب مانده بآنکه نظر در مظهر علم و قدرت او ننموده

و علم او نیست الا در نفس خود بنفس خود و در خلق خود بخلق خود و قدرت او نیست بر شیئ الا در نفس خود بالوهیت خود و در خلق خود بربوبیت خود اینست جوهر کل جوهر که کل از او محتجب باین شئون علمیه مؤتفکه که اگر مقترن بایمان او نگردد لا شیئ میگردد مفتخر و بایمان باو که اگر علم شیئ نباشد کل جوهر علم در حق مؤمن ثابت میگردد محتجب این است که کل گویا امواتند و نظر بثمرۀ علم و حکمت نمیکنند

و اشر مردم در نزد ظهور ”من یظهره الله“ آنهائی هستند که خود را بعلم معزز گرفته اند و حال آنکه اینقدر تعقل نمیکنند که علم ایشان از برای فهم کلمات او بوده از قبل و در حین ظهور او چه احتیاج بتعلم این علوم و حال آنکه کلام او ظاهر و مراد او باهر است چنانچه در این ظهور هر کس بوده مشاهده این مطلب نموده

و الله یحقق الحق و هو خیر الحاکمین

